

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

آتش خاموش

تا مُصَوّر صورت آن ماه تابان میکشد
سوز من میداند و آتش به دامن میکشد
یاد می آرد مرا از بوسه های گرم او
نالۀ جان سوزم از راه گلو بالا نرفت
بهر صید مرغ دل، دلداری دامن افکنده است
گر خدا نا کرده سر پیچم ز فرمان نگار
آتش خاموش من صد بار دامن میزند
خوش نوائی داشتم یک عمر در صحن چمن

خامه را بیتاب می یابد، شتابان میکشد
حال من میبیند و زلفش پریشان میکشد
تا لب نوشین او با داغ دندان میکشد
مویه را در صفحه با مو همچو طوفان میکشد
گه کمان ابرو و گه تیر مژگان میکشد
چشم مخمورش ز تیغ مژه فرمان میکشد
گر به دامانش رسانم دست، دامن میکشد
بی مروت باغبانم از گلستان میکشد

تا که میخواید «اسیر» از قید او گردد رها

زلف می افشاند و زنجیر و زندان میکشد

(فرانکفورت - ۱۴ سپتمبر ۲۰۰۷)